

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث رجال درباره بررسی راه‌های اثبات وثاقت روات به توثیق خاص بود. در بحث سابق اولین طریق از طرق اثبات وثاقت روات به توثیق خاص بیان شد.

اما طریق دوم: نص علمای رجال به وثاقت شخصی از روات. لذا بحث می‌شود که آیا وثاقت یک راوی در صورتی که یکی از معصومین او را توثیق نکرده باشد، ولی یکی از علمای رجال او را توثیق کرده باشد ثابت می‌شود یا به توثیق علماء رجال، وثاقت راوی برای دیگران ثابت نمی‌شود بلکه فقط برای خود آن عالم رجالی قابل اثبات است؟

قبل از ورود در اصل بررسی مسأله لازم است مقدمه‌ای را ذکر کنیم:

وجه حجیت قول رجالی: به این معنی که حجیت قول یک عالم رجالی از چه بابی است؟ در بیان مسأله سه وجه وجود دارد:

۱. قول رجالی حجت است و حجیت آن از باب حجیت خبر واحد ثقة و تعبدی می‌باشد. یعنی فرمایش یک عالم رجالی در توثیق یکی از روات و خبر از ضابط بودن و کاذب نبودن او مثل خبر یک راوی از امام و در مقام نقل خبر واحد است. یعنی همانطور که گفتار یک راوی از آن جهت که یک راوی ثقة است، تعبداً حجت است نه چون باعث حصول اطمینان به صدور یا مضمون روایت می‌شود همچنین قول رجالی هم در اثبات توثیق یکی از روات، چون ثقة است حجت دارد.
۲. بگوئیم قول رجالی حجت است و حجیت آن از باب حجیت خبر واحد به اعتبار اینکه خبر واحد برای ما اطمینان به صدور روایت می‌آورد می‌باشد نه از آن جهت که این خبر، خبر واحد ثقة است. لذا به دلیل اینکه قول رجالی هم برای ما اطمینان به وثاقت راوی می‌آورد، قول او به ادله‌ای که دلالت بر حجیت خبر واحد می‌کند حجت است.
۳. قول رجالی حجت است و حجیت آن از باب حجیت قول فرد خبره است. همان فرد خبره‌ای که روایاتی دلالت دارد بر حجیت آن در مقام تعیین موضوعات. کما اینکه در روایات متعدد ثابت شده قول قیمت‌گذاران در ارش، عیوب، قیمت جنایات و... نزد معصومین مورد اعتماد قرار گرفته است.

با توجه به وجوه فوق:

- اگر بگوئیم که وجه حجیت قول رجالی، همان وجه اول است در این صورت نمی‌شود اعتماد به قول رجالی در توثیق روات کرد مگر اینکه خبر رجالی، یک خبر حسی باشد. یعنی این عالم رجالی، علم به وثاقت فلان راوی را از طریق معاشرت با او پیدا کرده باشد و یا اینکه قریب به حس باشد یعنی علمش را از طریقی که هر کسی میتواند از آن طریق علم پیدا کند بدست آورده باشد مثل تواتر و شایع.

با این توضیح که خود عالم رجالی، راوی را دیده و از معاشرت با او، ضابطیت و عدم کذب او را یقین کرده است. دلیل بر اعتبار حس و ما یقرب من الحس آنست که مهمترین دلیل بر حجیت خبر واحد ثقة، سیره‌ی عقلاست و سیره‌ی عقلایی دلیل لبی است. لذا باید در اعتماد به این دلیل اکتفاء به قدر متیقن کرد که قدر متیقن در مانحن فیه آنست که خبر مخبر از طریق حس اعلام شود و طریق علم، اجتهاد یا ظن شخصی نباشد.

- و اما اگر وجه حجیت قول رجالی را وجه دوم فرض کنیم؛ یعنی وجه حجیت آن اطمینان به وثاقت راوی بعد از اخبار این عالم رجالی باشد، در این صورت کافی است بعد از اینکه این عالم رجالی، راوی را توثیق کرد اطمینان به وثاقت او پیدا

کنیم، از هر طریقی که حاصل شود. چون اطمینان همان علم عرفی است که حجیت آن در علم اصول ثابت شده و طریق خاصی هم برای آن بیان نشده است.

- اگر وجه حجیت قول رجالی وجه سوم باشد در این صورت هم اعتماد به قول رجالی در توثیقاتی که دارد هرچند ناشی از حدس باشد صحیح است. چون شارع مقدس به قول اهل خبره و کارشناس در تعیین موضوعات خارجیه مکرر اعتماد کرده، با اینکه مستند کارشناسان مبتنی بر حس نیست بلکه بر اساس اجتهاد ظنی خودشان است.

تحقیق مطلب: در بین وجوه سه گانه مذکور، وجه دوم مورد تایید است. یعنی ادله ای که دلالت بر حجیت می کنند دلالتشان از باب اطمینان به صدور روایات است و همان روایات و آیات دلالت دارد که خبر رجالی هم که خبر ثقه است، حجت است. (تفصیل مطلب در علم اصول آمده است)

با توجه به مقدمه مذکور در خصوص توثیقات خاصه علمای رجالی می گوئیم اندیشمندان رجالی دو گروه هستند:

گروه اول: متقدمین از علمای رجال. بلاشک گفتارشان در جهت توثیق روات حجت است چون یا حسی است و یا قریب به حس است؛ و از این دو حال خارج نیست. لذا طبق آنچه که در مقدمه بیان شد چه تعبداً قائل به حجیت خبر واحد شویم و چه دو وجه دیگر را بپذیریم، توثیق ایشان معتبر است چون اعلی مرتبه وجه حجیت، عن حس و ما یقرب من الحس بودن آن است بعنوان مثال: عبد الله بن ابي يعفور العبدی و اسم ابي يعفور واقد، و قيل وقدان، یکنی ابا محمد، ثقة ثقة، جلیل فی أصحابنا، کریم علی ابي عبد الله علیه السلام، و مات فی آیامه، و کان قارناً یقرئ فی مسجد الکوفه.....^۱

گروه دوم: متأخرین از علمای رجال. سخن درباره حجیت توثیقات خاصه آنها به اختلاف مبنایی که در وجه حجیت قول رجالی وجود دارد مختلف می شود. اگر ما قائل شدیم که قول رجالی حجت است و وجه حجیت آن وجه اول است توثیقات خاصه متأخرین اعتباری ندارد چون حسی و ما یقرب من الحس نیست.

اما اگر قائل شدیم وجه دوم یا سوم است، در صورتی که از قول رجالی، اطمینان به وثاقت راوی حاصل شود حجت است و قابل اعتماد. و بنابر مختار هم توثیقات متقدمین و هم متأخرین اگر باعث اطمینان ما به وثاقت راوی شود برای ما حجیت دارد. هذا تمام الکلام در طریق دوم توثیقات خاصه

والله المستعان